

شرق

روزنامه

دانه‌ریزی برای پرندگان مهاجر در هور العظیم، عکس: مهدی پدرام‌خو، تسنیم



زیر آسمان ایران-۲

چه می‌شود کرد؟

با امتیازی که حق شهروندی مرزنشینان است، آسان‌تر کرد.
واحیا و راه‌اندازی دوباره تعاونی‌های مصرف، تأسیس بازارچه‌های مرزی و صدور کارت‌های مخصوص تردد و مبادله کالا در شکل و اندازه‌های تعریف‌شده می‌تواند از جمله همین راهکارها باشد.

کسانی که در شعاع مشخصی از مرز زندگی می‌کنند، ضمن دراختیارداشتن کارت تردد، می‌توانند با داشتن کارت‌های هوشمند از تسهیلاتی که دولت در اختیار تعاونی‌های پیشنهادی قرار می‌دهد، استفاده کنند. تعاونی‌هایی که احداث و راه‌اندازی آنها در بخش دولتی است و سود حاصل از آن نصیب سهام‌داران که همان روستاییان مرزنشین هستند، می‌شود. تعاونی‌هایی که دستان برای صادرات و واردات برخی اقلام و کالاها باز است و این همان امتیاز مرزنشینی است. گرچه مدیریت صحیح چنین تعاونی‌هایی و مراقبت از چگونگی تقسیم عادلانه سود، خود از نکات بااهمیت این فرایند است.

در این میان تعاونی‌های مرزنشین نیز با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند؛ از جمله عدم اختصاص ارز دولتی برای واردات کالاهای اساسی مرزنشینان. از آنجایی که مقدمه دریافت ارز رسمی و امکان ثبت سفارش از طریق سامانه جامع تجارت متعلق به سازمان توسعه تجارت ایران و سامانه EPL (پنجره واحد تجارت فرامرزی) متعلق به گمرک ایران بوده و این موضوع به دلیل غیرفعال‌بودن لینک مرزنشینی در سامانه جامع تجارت و عدم امکان ثبت سفارش ارزی در سامانه برای تعاونی‌های مرزنشین امکان‌پذیر نیست. بنابراین تا زمانی که لینک مرزنشین در سامانه



زهر ا مشقارق

دیروز در بخش اول، گزارشی درباره وضعیت کولبران نوشتیم و اکنون برخی پیشنهادها در پی می‌آید. اما چه می‌شود کرد؟ آیا می‌توان به مشکلات جدی معیشتی مرزنشینان و نبود شغل در آن نواحی در کنار شیوع اعتیاد، انواع بزهکاری و گسترش حاشیه‌نشینی و فقر بی‌فاوت بود؟

راهکارهایی وجود دارد که می‌تواند محلی برای ایجاد آرامش و حل مسائل مرزنشینان باشد.

در کشورهایی با استانداردهای بالا و نیز رو به توسعه، ساکنان مرز زندگی آسوده و خالی از دغدغه‌ای دارند. چراکه آنان مرزبانان و حافظان امنیت تمام مردم یک کشور هستند. تأمین رفاه و معیشت مرزنشینان چه به شکل مستقیم و چه حتی غیرمستقیم، معنایش حفظ کیان و تمامیت ارضی یک کشور است. راه خطا بر مرزنشین فقیر و گرسنه هموار می‌شود.
بیه یاد بیاوریم بیشترین، عمیق‌ترین و غیرقابل جبران‌ترین صدمات ناشی از جنگ هشت‌ساله، به‌طور کاملآ مستقیم، مرزنشینان کشور را با چه فجایعی روبه‌رو کرد. ازدست‌رفتن کاشانه و ویرانی مطلق روح و جسم و در عین حال رشادت و مقاومت آنها در برابر نفوذ دشمنان خارجی و داخلی غیر قابل انکار است. کولبران امروز، همان مردم رزمنده دیروز شهرها و روستاهای مرزنشین هستند.

می‌توان تنگنای شدیدی را که در آن قرار گرفته‌اند،

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۲۳ آذر ۱۳۹۹ • ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ • ۱۳ دسامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۸۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۹ • اذان مغرب ۱۷:۱۲

اذان صبح فردا ۵:۳۶ • طلوع آفتاب ۷:۰۶

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

نور نوشتن

اجرای حکم اعدام در نظام قضائی ما دارای تشریفاتی است. حتی اگر حکم اعدام قطعی هم شده باشد، راه‌هایی برای اعتراض به آن وجود دارد و می‌توان مطابق دستوراتی که در قانون آیین دادرسی کیفری دیده شده، به آن اعتراض کرد و حتی جلوی اجرای آن را گرفت. یکی از راه‌های فوق‌العاده اعتراض به رأی اعدامی که قطعیت پیدا کرده است، درخواست اعاده دادرسی است. به این معنی که قانون‌گذار آن میزان از حساسیت و وسواس را در کار خود می‌بیند که رأیی خلاف موازین قانونی صادر نشده باشد و اگر بنا به هر دلیل چنین اتفاقی افتاده باشد، راه برای جلوگیری از آن و نقض آن وجود داشته باشد؛ بنابراین ماده ۴۷۴ و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری دو روش برای اعاده دادرسی را تجویز کرده است. مطابق ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان به دیوان عالی کشور درخواست اعاده



نعمت احمدی

دادرسی داد. در این ماده چند بند برای این مسئله بیان شده است که متهم می‌تواند با استناد به یکی از این موارد اعلام کند که این رأی درست صادر نشده است. به‌این‌ترتیب حکم به شعبه دیوان عالی کشور می‌رود و در نوبت رسیدگی قرار می‌گیرد. در اینجا هم بسته به نوع حکم و مجازاتی که در آن برای متهم تعیین شده، ممکن است مسئله بررسی مشمول قید فوریت شود. چنانچه در احکامی که در آن جرمه‌هایی مانند زندان، شلاق یا اعدام در نظر گرفته شده، ممکن است چنین اتفاقی رخ دهد. بنابراین اگر در حکمی زندان، شلاق یا قصاص در نظر گرفته شده باشد، در ابتدا درخواست توقف حکم می‌شود. آن‌گاه اگر شعبه دیوان عالی کشور پذیرفت که موضوع قابل بررسی است، مطابق یکی از بندهای ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری پذیرفته می‌شود و پرونده به شعبه هم‌عرض برای رسیدگی ارجاع می‌شود. همه اینها منوط به پذیرش اعاده دادرسی از سوی شعبه دیوان عالی کشور است؛ اما روش دوم استناد به ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری است. از آنجایی که قوانین ما شرعی است و همچنین با توجه به اینکه قاضی‌القضات کشور مجتهدی است که از سوی

سلام به فردا

اعاده دادرسی چطور می‌تواند احکام قطعی را نقض کند؟

رهبری منصوب می‌شود. در این ماده ۴۷۷ این اختیار به مجتهد افقه اعلم که در ریاست قوه قضائیه قرار دارد، داده شده است که اگر ایشان تشخیص داد که یک رأی خلاف بین شرع است، جلوی اجرای آن را بگیرد؛ چراکه قوانین ما تفسیرپذیر هستند و تفسیر آنها با مجلس شورای اسلامی است. در اینجا چنین تصور شده که رأی صادره از سوی دادگاه با برداشت مجتهدی که ریاست قوه قضائیه را برعهده دارد، متفاوت باشد و او چنین نظری نداشته باشد. به‌این‌ترتیب ماه ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری به ریاست قوه قضائیه چنین اجازه‌ای را داده است که اگر درخواست اعاده دادرسی به ایشان ارجاع شد و از سوی هیئت بررسی ایشان هم بررسی شد، می‌تواند با اعلام نظر ایشان تغییر کند. اگر ایشان دیدند که مبتنی رای خلاف شرع است، دیگر آن را به شعبه هم‌عرض ارجاع نمی‌دهند و خودشان به یکی از شعب دیوان عالی ارجاع می‌دهند تا آن شعبه اگر خودش خلاف شرع را تشخیص داد، رأی قبلی را نقض و رأی دیگری صادر کند. این دو روش در پرونده‌هایی که احکام قطعی دارند، برای اعاده دادرسی در قانون ما در نظر گرفته شده است.

مغز اجتماعی-۱۴۳

جهان در مغز؟

به‌عنوان علمی آگاهی‌بخش می‌تواند قدرت اندیشه اجتماعی در پیشبرد اهداف انسانی برای ساختن جامعه‌ای عادلانه‌تر و آزادتر را افزایش دهد. متأسفانه علم مغزپژوهی امروز نیز به همان عارضه‌ای مبتلا شده است که همه رشته‌های علمی دانشگاهی مدرن به آن مبتلا هستند؛ یعنی قابلیت سوددهی برای بقا، فقدان کیفیت به ازای رسیدن به کمیت بیشتر، سوگیری منطبق با ایدئولوژی حاکم، هدف از برپایی سلسله سخرانی‌های نوروساینس در ایران از سال ۱۳۷۴ تا ظهور ویروس کرونا در تهران (مرکز پزشکی شهید- بیمارستان ایرانمهر) این بود که در حین حفظ استقلال نسبی در ارائه کارهای بین‌رشته‌ای وابسته به این علم در جهان و ایران بتوانیم در جمع‌بندی‌ها به نظریه‌های منسجم‌تر بر اساس رویکردها و روش‌های پژوهشی برسیم و برای سوالات مهم پاسخ‌های نظری راهبردی داشته باشیم و برای همگانی‌کردن این علم جهت ارتقای شعور در فرهنگ عمومی کوشش کنیم. به همین منظور نیز ورود به این سمینارها را برای همگان آزاد اعلام کردیم و در سخنرانی‌ها تلاش کردیم از به‌کاربردن اصطلاحات تخصصی غیرقابل‌فهم برای همگان پرهیز کنیم. تا حدی نیز موفق بودیم. حال وارد مرحله‌ای دیگر شده‌ایم.

یکی از خصوصیات علم این است که در جا نمی‌نهد و در تجربه و نقد دائمی آن می‌توان به نظریات جامع‌تر و جدیدتری رسید و اساس قدم‌های بعدی را گذاشت. اگر در ابتدا سمینارهای ادواری ما با عنوان عصب‌پژوهی (نوروساینس) خوانده می‌شد، بر اثر تغییرات نظری مهم که مغزپژوهی را به مسائل اجتماعی مرتبط می‌دانست، ادامه سمینارهای با عنوان مغزپژوهی اجتماعی برگزار شد. به همین دلیل، حال به چنین نتیجه‌ای رسیده‌ام که وقت آن رسیده که در سایه تحولات نظریه‌های جدید، پس از ۲۰ سال از انتشار کتاب «جهان در مغز»، کتاب دیگری بنویسم که عنوان آن «مغز در جهان» باشد. در این کتاب تلاش کنم که در حد بضاعت علمی- فلسفی خود به جایگاه کار مغز اجتماعی انسان در رابطه با پدیدارشناسی توانایی‌های تجربی انسان بدن‌مند در زیست جهان بپردازم و تلاش کنم بسیاری از نقیصه‌های نظری در کتاب «جهان در مغز»، در پرتو آموخته‌های جدید برطرف شود.

مغز (۲۰۱۸) که بر اساس یکی از کارهای «ماگریت» (شرایط انسانی ۱۹۹۳)، او را مدافع نظریه بازنمایی واقعیت و زیستن در دنیای مجازی می‌داند، مخالف هستم. برعکس با نظر «لیرزا لپینسکی»، کارشناس هنر در کتاب «رنه ماگریت، هنر اندیشیدن ۲۰۱۹»، موافق هستم؛ چراکه «لیرزا لپینسکی» کارهای «رنه ماگریت» را با اندیشه فیلسوف پدیدارشناس تن‌مداری همچون «موریس مرلوپوئتی» نزدیک می‌داند. اما انتقادی اساسی که خودم به کتاب «جهان در مغز» دارم، این است که این کتاب تحت تأثیر نظریه‌ای فراگیر در علم مدرن نوشته شده که مغز را به صورت واحدی مجزا، تک، غریبویا و نامرتب از نظر کارکردی با شخص: «خود و دیگری»، مورد پژوهش قرار می‌دهد. با نگاهی به جریان تحولات نوروساینس یا مغزپژوهی در این ۲۰ سال، باید اعتراف کرد علمی که در ابتدا می‌خواست متحذکننده دانش پراکنده درباره سلسله اعصاب و نقش مهم آن در شناخت باشد، به‌تدریج خود تجزیه و به شاخه‌های متعدد تقسیم شد. شاید یکی از علت‌های این پراکندگی و آشفتگی نیز قدرت حاکم بر نظام علم مدرن باشد که تابع قانون بازار است. طبق روال کالایی‌شدن علم مدرن، تخصص‌ها باید پراکنده و هریک به جزئیات مشغول باشند و تجزیه‌وتحلیل داده‌های تجمع‌شده از سوی مؤسسات تصمیم‌گیرنده بزرگ، دور از چشم متخصصان ریزبین یا کارگران ساده علم صورت گیرد.

در این سال‌ها در ایران نیز مغزپژوهی (نوروساینس) تابع روش‌های جهانی اغلب در درون مجموعه‌های علوم شناختی شاید کمی آشفته‌تر از دیگر مراکز علمی غربی با رویکردهای مختلف مورد توجه قرار گرفت. نباید تعجب کرد که مغزپژوهی (نوروساینس)، علم بینارشته‌ای باشد که بیشتر شاخه‌های آن با رویکرد تکنولوژیک و رایانه‌ای مورد اقبال بازار قرار گیرد. هم‌اکنون نیز از بالندگی علمی مغزپژوهی در رشته‌های مختلف علوم طبیعی و علوم انسانی به‌عنوان ارزشی افزوده استفاده می‌شود. در این میان می‌شود به نورولوژی، روان‌پزشکی، روان‌شناسی، علوم مهندسی، رایانه‌ای، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، اقتصاد، سیاست، زیبایی‌شناسی، ادبیات، هنر و... اشاره کرد. البته توسعه و گسترش عمومی مغزپژوهی

بیش از ۲۰ سال از نوشتن کتاب «جهان در مغز» می‌گذرد. نوشتن آن برمی‌گردد به زمانی که در حال گذر از ۵۰سالگی بودم و ۵۰ جلسه از سخنرانی‌های ادواری نورساینس در بیمارستان شهدای تجریش تهران می‌گذشت. در آن زمان یکی از انتقادهای جدی همکاران به من، به اسم کتاب یعنی مفهومی بود که جهان را ساخته مغز معرفی می‌کرد؛ ولی اصرار من به حفظ نام کتاب بیشتر به این خاطر بود تا توجه خواننده غیرمتخصص را به اتفاق علمی مهمی جلب کنم؛ آن‌هم تولد علمی مدرن (علم عصب پایه = مغزپژوهی) که می‌توانست به دوگانه‌پنداری بین ذهن و بدن خاتمه بدهد و مطالعه درباره سوزه و آگاهی را هم وارد میدان پژوهش علم مغزپژوهی کند. البته اگر کسانی متن کتاب را مطالعه می‌کردند، متوجه می‌شدند که نویسنده کتاب اندیشه ایدئالیستی ندارد و برای جهان واقعیتی فراتر از آنچه که در ذهن ما می‌گذرد، قائل است و دنبال‌رو نظریه بازنمایی در تبیین شناخت در مغز نیست. شایان تأکید است که در نظریه بازنمایی، مغز آینه‌ای منعکس‌کننده واقعیت فرض می‌شود و واقعیات بیرونی تصاویر مجازی ساخته‌شده در مغز ما هستند. البته امروزه نظریه بازنمایی در مغزپژوهی و علوم شناختی طرفداران زیادی دارد؛ زیرا این رویکرد بازار مصرف برای سود ایجاد می‌کند و به تکنولوژی رایانه‌ای باری می‌رساند؛ اما کتاب «جهان در مغز»، بدن‌مندی را محور شکل‌گیری ذهن در رابطه با مغز معرفی می‌کند و نظریه‌ای ایدئالیستی یا بازنمایانه‌ای از واقعیت در مغز را طرح نمی‌کند. در این کتاب، استفاده از نقاشی‌ها در ابتدای هر فصل نیز بر اساس قبول تن‌مندی ذهن و عبور از دوگانه‌پنداری (دوالیسم) ذهن و بدن انجام شده بود.

البته در ابتدای سه فصل کلیدی کتاب از کارهای «رنه ماگریت»، نقاش سوررئالیست بلژیکی، استفاده کردم. بدیهی است که با نظر روان‌پزشک پدیدارشناس، «توماس فوکس»، در کتاب اکولوژی

آسمان تهران

موتورها در کمین دوچرخه‌ها

مدت‌ها کسی در خانواده از این آزارها باخبر نمی‌شود و حتی بعد از اینکه در اتوبان زمین خوردم و زانویم شکافته شد، سه ماه بعد از آن خانواده متوجه شد بر اثر چه اتفاقی چنین مشکلی برای من پیش آمده است؛ چون هم ادیت می‌شوند و هم ممکن است دوچرخه را نابود کنند».

او در پایان گفت: «به نظرم رانندگان قبل از اینکه بخواهند برای یک لحظه خدندین، دوچرخه‌سوار را ادیت کنند، به این فکر کنند که ممکن است چه بحرانی را رقم بزنند و در این شرایط اقتصادی چقدر خسارت به دوچرخه‌سواران می‌زنند. همچنین برای آنها و خانواده‌های‌شان جنگ اعصاب به وجود بیاورند. به این فکر کنند که چرا به خاطر یک شسوخ باید مجبور به پرداخت خسارت از جیب و حتی مرگ یک انسان شوند. مدتی پیش یک راننده روی سرب یک دوچرخه‌سوار اشغال ریخت و همین مسئله به کتک‌کاری بین دو طرف منجر شد. دوچرخه‌سوار گفته بود که اطلاع داری ضربان قلب من روی دوچرخه چقدر بالاست و توقف ناگهانی می‌تواند باعث سکته قلبی شود که راننده گفته بود اطلاعی ندارد. ما سال‌ها داریم تمام مشکلات را به جان می‌خریم و مقاومت کرده‌ایم تا فرهنگ دوچرخه‌سواری جا بیفتد و خیلی هم بهتر شده است. امیدوارم مردم هم بیشتر مراعات کنند و با شوخی و ترساندن‌های نابجا شرایط بحرانی را رقم نزنند».

را زد که جای پنج انگشت از روی بدنم ماند و کبود شده بود. نکته جالب این است که دوچرخه‌سوارها همیشه مسیر مشخصی برای تمرین دارند و یکی از این مسیرها اتوبان ارتش به سمت گردنه قوچک است که همیشه تعدادی موتورسوار آنجا کمین کرده‌اند تا دوچرخه‌سواران را ادیت کنند. رانندگان خودروها نیز به شکل دیگر ادیت می‌کنند و آینه و بدنه ماشین خود را کاملاً به دوچرخه می‌چسبانند. سال گذشته در اتوبان مدرس یک خودرو از پشت دوچرخه من را هل داد. در این شرایط حتی اگر سرعت دوچرخه هم پایین باشد؛ باز هم دوچرخه به پرواز درمی‌آید. بر اثر این اتفاق من حدود ۲۰ تا ۳۰ متر در اتوبان پرتاب شدم و زانویم شکافته شد که هنوز بعد از یک سال مشکل دارم. وسایل من نیز در زمین پخش شد و خسارت زیادی دیدم؛ اما حتی یک راننده هم به من کمک نکرد».

او گفت: «تا مدت‌ها ترس تکرار این اتفاق همراه دوچرخه‌سوار می‌ماند. برای خود من به گونه‌ای شده که تا موتورسوار می‌بینم یا حس می‌کنم یک خودرو پشت سر من قرار دارد، از دوچرخه پیاده می‌شوم و دوچرخه‌به‌دست کنار می‌روم. حتی به واسطه این مسائل کلاس یک‌بوکسینگ رفتم و تا حدودی به دفاع شخصی هم تسلط دارم و یک چوب کوچک به دوچرخه‌ام بستم؛ چون با دوچرخه سفر هم می‌روم، در مواقع بحرانی بتوانم از خودم دفاع کنم. البته تا

ایستنا؛ برخی موتورسوارها در مسیر تمرین دوچرخه‌سوارها کمین می‌کنند تا آنها را به شکل‌های مختلف مورد آزار و ادیت قرار دهند.

بحث استفاده از دوچرخه به جای خودرو برای کاهش آلودگی هوا و حفظ سلامتی شهروندان مدتی است که داغ شده است؛ اما دراین‌میان یک حلقه مفقوده وجود دارد و آن هم احترام به دوچرخه‌سواران است و هر روز شاهد این هستیم که رکاب‌زان حرفه‌ای یا مبتدی به شکل‌های مختلف مورد آزار و ادیت رانندگان و موتورسواران قرار می‌گیرند و از لحاظ جسمی و روانی آسیب می‌بینند.

«گل‌یاس خداینده‌لو» از بانوان دوچرخه‌سوار فعال است که تلاش کرده فرهنگ استفاده از دوچرخه را ترویج دهد. او درباره تجربیاتش می‌گوید: «۱۳ سال است که حتی برای تردد در سطح شهر هم از دوچرخه استفاده می‌کنم و در این سال‌ها اتفاقات مختلفی را تجربه کرده‌ام. بارها به من متلک‌های رکیک گفته‌اند و حتی آب دهان خود را به سمتم پرتاب کرده‌اند. البته این اتفاق تنها برای خانم‌ها نیست و خیلی از دوچرخه‌سواران مرد نیز این متلک‌های رکیک را شنیده‌اند و با زنجیر یا وسایل دیگر کتک خورده‌اند. پرتاب اشغال و گوجه‌فرنگی که دیگر همیشه هست»، خداینده‌لو ادامه داد: «یک مرتبه پشت چراغ قرمز، یک موتورسوار هنگام سبزشدن چراغ چنان با دست من

روزگار کروناپی

فقرا محروم از واکسن



شهروندان آمریکایی «اولویت نخست» دستیابی به واکسن کرونا را خواهند داشت. تا این لحظه، بیش از ۶۸ میلیون نفر در جهان به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند و حدود یک‌ونیم میلیون نفر بر اثر ابتلا به این بیماری جان خود را از دست داده‌اند. ایران از جمله کشورهایی است که هنوز توانسته واکسن کرونا را خریداری کند. البته برخی نیز مانند بیل گیتس و ملیندا گیتس و مؤسسه‌ای برای فعالیت‌های بشردوستانه‌اش در زمینه سلامت عمومی دارند. ۲۵۰ میلیون دلار دیگر برای کمک به ساخت و توسعه وسایل تشخیص و جلوگیری و واکسیناسیون کرونا کمک کردند.

ملیندا تائیک کرده است که بخشی از این مبلغ برای خریدن ۲۰۰ میلیون دوز واکسن کرونا برای کشورهای فقیر یا کم‌درآمد است.

مؤسسه بیل گیتس از رهبران جهان می‌خواهد که به توزیع عادلانه واکسن کرونا در سراسر جهان متعهد شوند و اطمینان یابند که تا سال ۲۰۲۱ همه از امکانات ایمنی در برابر کرونا برخوردار هستند.